



A Conceptual Study of Taḍarru' in the Qur'ān with Emphasis on Its Etiquette, Objectives, and Obstacles

Somayeh Salmanian¹ 

1. Assistant Professor, Department of Theology, Faculty of Humanities, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran. Email: s.salmanian@basu.ac.ir

Abstract

Taḍarru' represents one of the deepest expressions of servitude (ʿubūdiyyah) in the Qur'ān, maintaining a direct relationship with faith (īmān), supplication (duʿā'), and humility (khushū'). This study aims to provide a conceptual analysis of this term and to elucidate its etiquette, objectives, and obstacles, thereby clarifying its role as an effective form of worship in both individual and social human life. The significance of this topic lies in the fact that taḍarru', within the Qur'ānic framework, transcends a mere emotional state or reactive disposition; rather, it plays a fundamental role in attaining proximity to God (taqarrub ilā Allāh), reforming behavior, preserving and sustaining divine blessings, and overcoming heedlessness (ghaflah), self-conceit, and worldliness. Employing a descriptive-analytical method based on thematic exegesis, the study examines the lexical root ḍ-r-ʿ (ḍaraʿa) and its derivatives in the Qur'ān, analyzing their morphological and contextual functions in expressing the dynamism, continuity, and depth of taḍarru'. Additionally, the behavioral models of divine prophets in supplication and humility are explored as concrete and pedagogical examples that illustrate the role of this concept in shaping the believer's personality. The findings indicate that taḍarru', when accompanied by inner humility and submissiveness, leads to greater proximity to God, enhances the efficacy of supplication, reforms human conduct, and averts afflictions. The realization of this form of worship requires adherence to proper etiquette and conditions, as well as conscious engagement with appropriate means. Moreover, the continuity of taḍarru' constitutes a fundamental factor in spiritual and ethical growth and in receiving divine grace.

Keywords: taḍarru', humility, supplication, Qur'ān.

Cite this article: Salmanian, S. (2026). A Conceptual Study of Taḍarru' in the Qur'ān with Emphasis on Its Etiquette, Objectives, and Obstacles. *Quranic Researches and Tradition*, 58 (2), 369-389. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

Authors retain the copyright and full publishing rights.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2026.406197.670560>



Article Type: Research Paper

Received: 17-Nov-2025

Received in revised form: 16-Jan-2026

Accepted: 24-Feb-2026

Published online: 20-Mar-2026

مفهوم‌شناسی تضرع در قرآن کریم با تأکید بر آداب، اهداف و موانع

سمیه سلمانیان^۱

۱. استادیار، گروه الهیات، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران. رایانامه: s.salmanian@basu.ac.ir

چکیده

تضرع از عمیق‌ترین جلوه‌های بندگی در قرآن کریم است که پیوندی مستقیم با ایمان، دعا و خشوع دارد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل مفهومی این واژه و تبیین آداب، اهداف و موانع آن، می‌کوشد جایگاه تضرع را به‌عنوان عبادتی اثرگذار در حیات فردی و اجتماعی انسان روشن سازد. اهمیت این موضوع از آن روست که تضرع در منطق قرآن، فراتر از یک حالت روحی یا واکنشی عاطفی، نقشی اساسی در تقرب به خداوند، اصلاح رفتار، حفظ و تداوم نعمت‌های الهی و رهایی از غفلت، خودبینی و دنیاطلبی دارد. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تفسیر موضوعی قرآن کریم است. در این مطالعه، ماده لغوی «ضرع» و مشتقات آن در آیات قرآن بررسی شده و کارکردهای ساختاردهی، صرفی و سیاقی آن در تبیین پویایی، استمرار و عمق حالت تضرع تحلیل شده‌است. افزون بر این، الگوهای رفتاری پیامبران الهی در تضرع و خشوع، به‌عنوان نمونه‌های عینی و تربیتی، بررسی شده تا نقش این مفهوم در شکل‌دهی به شخصیت ایمانی انسان روشن گردد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تضرع آمیخته با خشوع و خضوع قلبی، موجب تقرب بیشتر انسان به خداوند، افزایش اثر بخشی دعا، اصلاح رفتار و دفع بلاها می‌گردد و تحقق این عبادت مستلزم رعایت آداب، شرایط و بهره‌گیری آگاهانه از اسباب مناسب است و استمرار تضرع، عامل اساسی در رشد معنوی، اخلاقی و دریافت فضل الهی به‌شمار می‌رود.

کلیدواژه‌ها: تضرع، خشوع، دعا، قرآن کریم.

استناد: سلمانیان، سمیه (۱۴۰۴). مفهوم‌شناسی تضرع در قرآن کریم با تأکید بر آداب، اهداف و موانع. پژوهش‌های قرآن و حدیث، ۵۸ (۲)، ۳۶۹-۳۸۹.

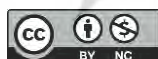
نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۸/۲۶

بازنگری: ۱۴۰۴/۱۰/۲۶

پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۵

انتشار: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹



ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

حق چاپ و حقوق نشر برای نویسندگان محفوظ است.

DOI: <https://doi.org/10.22059/jqst.2026.406197.670560>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

با وجود کاربرد گسترده مفهوم «تضرع» در متون دینی و قرآنی، به نظر می‌رسد این واژه در فهم عمومی و حتی در بخشی از پژوهش‌های دینی به‌درستی تبیین نشده و گاه به‌صورت سطحی فهم می‌شود. در حالی که تضرع در منطق قرآن، صرف‌گریه یا ابراز اندوه نیست، بلکه نوعی بازگشت آگاهانه و خاضعانه به سوی خداوند است که زمینه تحول درونی انسان و اصلاح رفتار بیرونی او را فراهم می‌سازد. این کج‌فهمی در تقلیل تضرع به حالتی موقتی از ترحم‌طلبی یا انفعال در برابر بلاها، موجب غفلت از نقش راهبردی آن در ساختن شخصیت مؤمن و اصلاح رفتار او شده‌است. از این‌رو، ضرورت دارد تضرع در قرآن کریم از منظر مفهوم و هدف، به‌صورت جامع مورد بازخوانی قرار گیرد تا مرزهای آن با مفاهیمی چون دعا، ابتغال و انابه روشن گردد.

مطالعه قرآن کریم نشان می‌دهد که ماده «ضرع» و مشتقات آن در چندین سوره، به‌ویژه در سوره‌های مکی، به‌طور مستقیم مورد تأکید قرار گرفته‌است. این توجه نشان‌دهنده اهمیت تضرع در رابطه انسان با خداوند و جایگاه تربیتی و عبادی آن است. در این آیات، تضرع و خضوع با سیاق‌های گوناگون بیان شده و بر نقش آن در شکل‌دهی شخصیت مؤمن و تحکیم ایمان در مراحل ابتدایی دعوت پیامبر تأکید شده‌است. همچنین قرآن کریم بارها بیان می‌کند که تضرع صادقانه می‌تواند موجب رفع بلاها و کاهش عذاب‌ها شود؛ از جمله در داستان قوم یونس علیه‌السلام که ایمان و تضرع صادقانه آنان، موجب رفع عذاب و بهره‌مندی از نعمت‌های الهی گردید (یونس: ۹۸). این امر نشان می‌دهد که این حالت قلبی، نه تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه عاملی اثرگذار در دفع بلاها و جلب رحمت الهی است.

پژوهش حاضر با هدف تحلیل مفهومی تضرع در قرآن کریم و تبیین اسباب، اهداف و موانع آن انجام شده‌است. در این تحقیق، ابتدا مفاهیم لغوی و اصطلاحی تضرع و مشتقات آن بررسی می‌شود و سپس کاربرد آن در زندگی پیامبران و امت‌ها به‌عنوان الگوهای عملی تضرع تحلیل می‌گردد. اهمیت تضرع در تقویت ایمان، مقابله با سختی‌ها و دستیابی به تقرب الهی، محور اصلی این مطالعه است و تلاش شده‌است با بهره‌گیری از روش توصیفی تحلیلی و تفسیر موضوعی، چارچوبی نظام‌مند برای فهم و به‌کارگیری این عبادت ارائه شود. سه پرسش اصلی که این پژوهش درصدد پاسخگویی به آن‌ها است عبارت‌اند از:

۱. مفهوم تضرع در قرآن کریم از منظر لغوی، اصطلاحی و کاربردهای سیاقی چیست و چه جایگاهی در میان دیگر عبادت‌ها دارد؟
۲. اسباب و انگیزه‌های تحقق تضرع، موانع درونی و بیرونی آن، و همچنین پیامدهای فردی و اجتماعی این عبادت در گفتمان قرآنی چگونه تبیین شده‌است؟

پاسخ به این پرسش‌ها، چارچوب نظری و عملی مناسبی برای تربیت اخلاقی و رشد معنوی فراهم می‌آورد و ظرفیت تضرع را به عنوان یک راهبرد قرآنی برای مواجهه فعالانه با مشکلات و جلب رحمت الهی بیش از پیش آشکار می‌سازد.

پیشینه پژوهش

موضوع «تضرع» به عنوان یکی از مفاهیم اخلاقی و تربیتی ژرف در قرآن کریم، هرچند در برخی پژوهش‌های قرآنی مورد اشاره قرار گرفته، اما کمتر به صورت مستقل و با رویکردی جامع مورد تحلیل مفهومی قرار گرفته است. از جمله پژوهش‌های مرتبط، مقاله «شیوه نیایش بر درگاه خدا با استفاده از آیه ۵۵ سوره اعراف» نوشته علی کریم‌پور قراملکی است که با تمرکز بر یک آیه خاص، به تحلیل نحوه نیایش و گفت‌وگوی بنده با پروردگار پرداخته است. هرچند نویسندگان در این پژوهش، تضرع را جلوه‌ای از خضوع و خشوع در دعا معرفی می‌کند، اما بررسی نظام‌مند مفهوم تضرع در کل قرآن و تحلیل اسباب و شرایط تحقق آن را دنبال نمی‌کند.

همچنین در مقاله «مؤلفه‌های تربیتی تضرع با کاربریست معناشناسی بر محوریت هم‌نشین‌ها و تأثیر آن بر سلامت معنوی» نوشته روح‌الله محمد علی نژاد عمران و همکاران، تضرع از منظر معناشناختی و با تأکید بر کارکردهای تربیتی بررسی شده است. این پژوهش از حیث پیوند میان تضرع و سلامت معنوی ارزشمند است، ولی فاقد تحلیل تفسیری و سیاقی از آیات مربوط به تضرع بوده و ابعاد مفهومی و قرآنی این واژه را به صورت جامع واکاوی نکرده است.

در پژوهش «بررسی دعا از منظر کلام خدا» نوشته امیرحمزه سالارزایی نیز مفهوم دعا از منظر الهیاتی و فلسفی بررسی شده است. با این حال، تضرع در این مقاله صرفاً به عنوان یکی از مصادیق دعا مطرح گردیده و از تفکیک مفهومی و تحلیلی آن با سایر اشکال دعا مانند ابتهال، خشوع و انابه غفلت شده است.

مقاله «گونه‌شناسی دعا در قرآن کریم و پنج تفسیر فارسی از قرن چهارم تا ششم» اثر حسن دهقانی‌پور نیز با رویکردی تاریخی و تفسیری به طبقه‌بندی انواع دعا در قرآن و تفاسیر کهن پرداخته است. این پژوهش ضمن تبیین گونه‌های مختلف دعا، مفهوم تضرع را به عنوان نوعی مستقل و دارای ابعاد معرفتی و تربیتی خاص مورد مطالعه عمیق قرار نداده است.

در مقایسه با پژوهش‌های یادشده، نوآوری و وجه تمایز مقاله حاضر در آن است که با رویکردی مفهومی و تفسیری-تحلیلی، تمامی کاربردهای قرآنی تضرع را بررسی کرده و ضمن استخراج معنای دقیق آن از بافت آیات، به تبیین اهداف، آداب و موانع تحقق تضرع پرداخته است؛ امری که در پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است. بدین ترتیب، این مقاله می‌کوشد تصویری جامع از تضرع در قرآن ارائه دهد که هم از منظر معنی‌شناختی و هم از نظر تربیتی و الهیاتی، قابل اتکا و نوآورانه باشد.

۱. مفهوم‌شناسی تضرع

واژه «تضرع» از ریشه «ضَرَعَ» (ضاد، راء، عین) در زبان عربی گرفته شده و در لغت به معنای خضوع، تذلل، ذلت و اظهار نیاز آمده است (جوهری، بی‌تا: ج ۳: ۱۲۴۹؛ زبیدی، بی‌تا: ج ۱۱: ۳۰۵). ریشه اصلی آن «ضرع» به معنای پستان یا دوشیدن شیر است که در کاربرد استعاره، نشانه نیاز و فقر وجودی است؛ چنان‌که در تعبیر «أضرعت الشاة» به رشد پستان شتر یا گوسفند اشاره دارد (ابن منظور، ۱۳۶۳: ج ۸: ۲۲۲). از این رو، تضرع در بُعد لغوی بیانگر حالت درونی خضوع و نیاز است که انسان با دل شکسته و آگاه از فقر وجودی خویش به درگاه خداوند می‌گراید.

در اصطلاح قرآنی، تضرع حالتی از روی آوردن به خداوند با نهایت فروتنی، انکسار و اعتراف به ضعف در برابر عظمت الهی است. علامه طباطبائی، «تضرع» را به معنای ذلت و «ضراعة» را به معنای تذلل دانسته و مراد از آن را «ذلیل شدن در برابر خدای سبحان» می‌داند به این منظور که شاید گرفتاری‌ها را رفع نماید (طباطبائی، ۱۳۷۸: ج ۷: ۱۲۶). مفسران نیز با استناد به آیات ﴿وَادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً﴾ (اعراف: ۵۵) و ﴿تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً﴾ (انعام: ۶۳)، آن را داعی همراه با خشوع، فروتنی و صدق نیت دانسته‌اند.

بنابراین، تضرع در معنای اصطلاحی تلفیقی از حالت قلبی خضوع، ابراز آشکار نیاز، و ترک تکبر است؛ حالتی که بنده را به وابستگی مطلق در برابر پروردگار سوق می‌دهد و زمینه تقرب روحی و معنوی او را فراهم می‌سازد.

۲. بسامد و ساخت‌واژه‌های تضرع در قرآن

تحلیل آماری واژه «ضَرَعَ» در قرآن کریم نشان می‌دهد که این واژه مجموعاً هشت بار به کار رفته است و شامل صیغه‌های مصدر، امر، مضارع و ماضی می‌باشد. کاربرد فعل ماضی، که تنها یک بار آمده است، عمدتاً به گزارش وضعیت امت‌های گذشته و بازماندن آنان از تضرع اختصاص دارد و با اشاره به گرفتاری‌ها و مصائبی که بر آنان وارد شد، تجربه تاریخی را به مخاطب منتقل می‌کند (انعام: ۴۳). این کاربرد نمادین، گذشته و حال و آینده را همزمان نشان داده و ضرورت خضوع واقعی در برابر خداوند را تأکید می‌کند.

صیغه مصدر آن نیز بیانگر پایداری و ثبات مفهوم تضرع است؛ مصدر، ماهیت تضرع را بدون محدودیت زمانی نمایش می‌دهد و استمرار خضوع و دعا به سوی خداوند را نشان می‌دهد. (اعراف: ۵۵ و ۲۰۵) همچنین صیغه مضارع، مانند «يَتَضَرَّعُونَ» و «يُضَرَّعُونَ»، استمرار و حالت طبیعی تضرع را نمایان می‌سازد و اهمیت خضوع و عبودیت را برای نسل‌های بعدی یادآوری می‌کند (اعراف: ۹۴؛ انعام: ۴۲). این صیغه‌ها نشان می‌دهند که تضرع تنها یک فعل عبادی موقتی نیست، بلکه به یک رفتار تکرارشونده و مستمر تبدیل می‌شود که نقش تربیتی و هدایتگرانه در مسیر الهی انسان دارد.

کاربرد «ضریع» (غاشیه: ۶) نیز به طعام اهل آتش اشاره دارد و بیانگر محرومیت آنان از برکات تضرع و خشوع در دنیا است. برخی مفسران توضیح داده‌اند که «ضریع» طعامی ذلت‌آفرین است که دوزخیان برای رهایی از آن به درگاه خداوند تضرع می‌کنند، ولی نه آنها را فربه می‌کند و نه گرسنگی را فرو می‌نشاند (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲۶: ۴۱۷).

بنابراین، غالب بودن صیغه مصدر و مضارع دلالت بر دوام و استمرار مفهوم تضرع دارد و اهمیت آن را در مسیر عبادی انسان نشان می‌دهد. این کاربردها مخاطب را تشویق می‌کنند که در همه حال، هم در سختی‌ها و هم در راحتی‌ها، با خشوع و فروتنی به خداوند روی آورد، نیازمندی خود را ابراز کند و خضوع قلبی و عملی خود را در دعا و ذکر حفظ نماید.

۳. واژگان هم‌معنا و مرتبط با تضرع در قرآن

واژگان هم‌معنای «تضرع» در قرآن و متون تفسیری، طیف گسترده‌ای از ابعاد خضوع، فروتنی و روی آوردن به خداوند را نشان می‌دهند. این واژگان علاوه بر روشن کردن مفهوم تضرع، پیوند میان حالت‌های قلبی، روحی و رفتار عبادی انسان را نیز بیان می‌کنند. در ادامه مهمترین واژگان هم‌معنای تضرع را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

۳-۱. توسل

«توسل» در لغت از ریشه «وَسَلَ» به معنای تقرب و نزدیک شدن است. در کتاب لسان العرب آمده‌است: تَوَسَّلَ إِلَيْهِ بِوَسِيلَةٍ إِذَا تَقَرَّبَ إِلَيْهِ بِعَمَلٍ: هرگاه به وسیله عملی به سوی او تقرب جوید (ابن منظور، ۱۳۶۳: ج ۱۱: ۷۲۴). همچنین در العین ذکر شده: تَوَسَّلْتُ إِلَى فُلَانٍ أَيْ: تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْهِ: به سوی فلانی توسل جستیم؛ یعنی به وسیله او به وی تقرب جستیم (خلیل، ۱۴۰۹: ج ۷: ۲۹۸). «وسيله» در اصل به معنای نزدیکی جستن است و یا چیزی که باعث نزدیکی می‌شود و یا نتیجه‌ای که از نزدیکی به خدا حاصل می‌گردد؛ پس این واژه شامل هرگونه کار نیک و صفت برجسته و شفاعت پیامبران و اولیای الهی می‌شود؛ چرا که همه‌ی این‌ها موجب نزدیکی به خداست (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱۲: ۱۰۷).

عبدالحمید بن بادیس، مفسر معاصر الجزایری، هم در تبیین مفهوم «توسل» می‌نویسد: توسل به معنای به‌کارگیری وسیله‌ای برای دستیابی به مقصود و هدف است؛ و وسیله تقرب به خداوند، چیزی جز عبادت، امتثال اوامر الهی، پرهیز از نواهی او و اجتناب از آنچه مورد نهی قرار گرفته نیست (ابن بادیس، ۱۴۲۴: ۱۲۰).

در اصطلاح شرعی، «توسل» به معنای تقرب جستن به خداوند متعال به واسطه اعمالی که موجب رضایت اوست تعریف شده که شامل انجام اوامر و ترک نواهی الهی می‌باشد (عرقسوس، ۲۰۰۴: ۲۲۰). این وسیله قرار دادن، می‌تواند شامل اعمال صالح، اسماء الهی یا شفاعت اولیای خدا باشد.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ﴾ (اسراء: ۵۷).

در تفسیر این آیه آمده است که حتی اولیایی که مورد توجه ویژه هستند، خود در پی یافتن وسیله‌ای برای تقرب به پروردگارشان می‌باشند. این بیانگر فطرت خداجوی انسان و نیاز ذاتی او به تقرب به خداوند است (مدرسی، ۱۴۱۹: ج ۶: ۲۵۱). بنابراین، «توسل» یک رفتار فطری و عبادتی اساسی است که نشان‌دهنده شناخت بنده از جایگاه خود و عظمت پروردگارش می‌باشد.

۲-۳. ابتهال

لغت‌شناسان در بیان معنای ابتهال بر معنای اجتهاد و پافشاری در دعا تأکید دارند: ابْتَهَلَ فِي الدَّعَاءِ إِذَا اجْتَهَدَ: هرگاه در دعا کوشش و جدیت به خرج دهد (ابن منظور، ۱۳۶۳: ج ۱۱: ۷۲). همچنین در فرهنگ ابجدی آمده است: ابْتَهَلَ إِلَى اللَّهِ یعنی برای به دست آوردن چیزی، دعا و زاری کرد (بستانی، ۱۳۷۵: ۵). در اصلاح دینی نیز، به معنای تضرع و روی آوری کامل در دعا است که در آن بنده با جدیت و پافشاری تمام، خواسته خود را از خداوند طلب می‌کند.

این مفهوم به روشنی در آیه ۶۱ سوره آل عمران نمایان شده است: ﴿قُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ﴾. بر اساس تفاسیر، مراد از «نَبْتَهِلْ» در این آیه، «تَبَاهِل و تَتْلَاعِن» است؛ یعنی دو طرف با یکدیگر به دعا و لعنت متقابل می‌پردازند. در اینجا، افعال باب افتعال معنای مفاعله (عمل متقابل) را می‌رسانند. عبارت «بَهْلَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِ» به معنای «لعنت خدا بر دروغگو باد» است و از مصدر «بَهْل» به معنای لعنت کردن و دور ساختن از رحمت خداوند مشتق شده است (طنطاوی، ۱۹۹۷: ج ۲: ۱۲۹).

ابن عاشور در تفسیر خود تأکید می‌کند که ابتهال در اصل، مشتق از «البَهْل» به معنای «دعا همراه با لعنت» است، اما سپس به صورت مطلق برای اشاره به هر دعای جدی و مضطربانه‌ای-حتی اگر هدف آن لعنت نباشد-به کار رفته است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۳: ۱۱۳).

در نتیجه، «ابتهال» در نگاه نخست، به معنای دعای متقابل همراه با لعنت است، اما در گستره معنایی خود، هر گونه تضرع و زاری خالصانه و جدی در پیشگاه الهی را شامل می‌شود که در آن بنده، تمامی تعلقات خود را رها کرده و تنها به خداوند متعال پناه می‌برد.

۳-۳. إخبات

«إخبات» از مفاهیم عمیق معنوی در فرهنگ اسلامی است که در لغت از «الْخَبْتُ» به معنای زمین هموار و آرام گرفته شده است. در لغتنامه‌ها آمده است: «أَخْبَتَ إِلَىٰ رَبِّهِ أَيْ اطْمَأَنَّ إِلَيْهِ، وَ أَخْبَتَ لِلَّهِ: خَشَعَ» (ابن منظور، ۱۳۶۳: ج ۲: ۲۷). این ریشه‌شناسی نشان می‌دهد که «إخبات» ترکیبی از آرامش، اطمینان قلبی و خشوع در برابر پروردگار است.

و ابو هلال عسکری در بیان فرق بن خضوع و اخبات می‌گوید: «مُخَبَّت کسی است که به واسطه ایمان خود اطمینان خاطر دارد و در عبادت همواره کوشا، مطیع و دارای آرامش است؛ لذا مُخَبَّت صفتی پسندیده است مثل مومن و متقی، اما خضوع چنین ویژگی‌هایی ندارد؛ هم پسندیده است و هم نکوهیده (العسکری، ۲۰۰۹: ۱۷۶-۱۷۷).

در قرآن کریم، این واژه برای توصیف بندگان برجسته به کار رفته است. در آیه ﴿وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ﴾ منظور، خضوع و تواضعی است که به «اطاعوا ربهم أحسن طاعة» تفسیر شده است (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ج ۱۱: ۲۳۴). این حالت، تنها یک خشوع ظاهری نیست، بلکه کیفیتی درونی است که طبق تفسیر مزاح لیبید، شامل این موارد می‌شود: دل‌هایشان در ذکر خدا آرام می‌گیرد، از غیر خدا خالی است، به وعده خدا اطمینان دارد و همزمان از عدم قبول اعمال می‌هراسد (نوی، ۱۴۱۷: ج ۱: ۵۰۴).

ابن عطیه با تشریح زیبایی توضیح می‌دهد که تشبیه فرد «مُخَبَّت» به کسی که در زمین هموار (الْخَبَّت) ایستاده، به این دلیل است که خود را کاملاً نمایان و تسلیم کرده، اما در عین حال دارای وقار و استقامت است (ابن عطیه، ۱۴۲۲: ج ۳: ۱۶۲).

خداوند در سوره حج، «الْمُخَبَّتِينَ» را بشارت می‌دهد و اوصاف آنان را چنین برمی‌شمارد: ﴿الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ﴾ و همچنین صبر بر مصائب، برپاداشتن نماز و انفاق از روزی (حج: ۳۴-۳۵). بنابراین، «إخبات» در منظومه مفاهیم قرآنی، به معنای رسیدن به قلبی مطمئن و خاشع است که آثارش در تسلیم عملی و اطاعت کامل از خداوند متعال نمایان می‌شود.

۳-۴. خشوع

«خشوع» در زبان عربی به معنای فروتنی، آرامش و ذلت در برابر خداوند است. در فرهنگ‌های لغت آمده است: خَشَعَ لَهُ: تَطَامَنَ وَذَلَّ وَخَضَعَ: در برابر او آرام و فروتن و خاضع شد (معلوف، ۱۴۱۵: ۱۸۰). و خَشَعَ لَهُ: خوار و زبون شد و به او فروتنی کرد (بستانی، ۱۳۷۵: ۳۶۳).

در اصطلاح، «خشوع» به حالت تضرع و زاری گفته می‌شود که بیشتر آثار ظاهری بر اندام‌ها دارد، برخلاف «تضرع» که بیشتر حالتی درونی و قلبی است. همان‌طور که در مفردات الفاظ القرآن بیان شده است: خشوع بیشتر برای آنچه در جوارح پدیدار می‌شود به کار می‌رود، و ضراعت بیشتر برای آنچه در قلب است (الراغب الأصفهانی، ۱۴۲۶: ۲۸۳).

این تمایز به حدی دقیق است که گفته شده: هر خاشعی متضرع است، ولی هر متضرعی خاشع نیست (فیروزآبادی، ۱۹۹۶: ج ۳: ۴۷۳).

نماد بارز خشوع را می‌توان در نماز مؤمنان مشاهده کرد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ (مؤمنون: ۱-۲). در تفسیر این آیه آمده است که خشوع

در نماز، ترکیبی از ترس و خوف در دل به همراه تواضع است و نمازگزار خاشع، کسی است که از نمازش بهره می‌برد و آن را وسیله تقرب به خداوند بزرگ قرار می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۷: ج ۳: ۶۵).
در نتیجه، «خشوع» حالتی است که از فروتنی قلب سرچشمه می‌گیرد و آثار آن در سکون بدن، افتادگی چشم و آهستگی صوت در عبادت، به ویژه در نماز، آشکار می‌شود و از ارکان مهم قبولی عبادات به شمار می‌آید.

۳-۵. جَوَار

«جَوَّار» در زبان عربی به معنای بلند کردن صدا همراه با تضرع و زاری شدید در هنگام دعا است. این واژه از ریشه «جَازَ» گرفته شده و در اصل، تشبیهی است به صدای حیوانات در هنگام درد و ناراحتی، چنان که گفته شده است: «جَازَ زمانی به کار می‌رود که زاری و تضرع زیاد شود و تشبیهی است به صدای حیواناتی مثل آهو و امثال آن» (السّمین الحلّبی، ۱۴۱۷: ج ۱: ۲۹۷). در فرهنگ لسان العرب نیز آمده است: جَازَ بِالْأَعَاءِ: در دعا صدایش را بلند کرد و همچنین جَازَ الْقَوْمُ جَوَّارًا: قوم و گروهی با تضرع و زاری صدای خود را بلند کردند (ابن منظور، ۱۳۶۳: ج ۴: ۱۱۲).
این حالت از دعا و استغاثه در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته است: ﴿إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجَاوُونَ﴾ (نحل: ۵۳). در این آیه، فعل تَجَاوُونَ بیانگر حالتی است که انسان در مواجهه با سختی‌ها، با صدایی بلند و دردمندانه به درگاه خداوند متعال تضرع می‌کند. اگرچه این حالت یک عمل ستوده است و نشان از فطرت خداجوی انسان دارد، اما در برخی آیات قرآن در قالب مذمت آمده است؛ زیرا این فریادها گاه تنها در لحظات سختی و از روی درماندگی سر داده می‌شود و پس از رفع مشکل، فراموش می‌گردد.

بنابراین، «جَوَّار» به عنوان اوج تضرع و استغاثه، حالتی است که در آن بنده با صدایی بلند و دلی شکسته، تنها به خداوند پناه می‌برد، اما ارزش واقعی آن هنگامی است که این حالت، ناشی از ایمان پایدار و همراه با تداوم در بندگی باشد.

۳-۶. إِنْابَه

«إِنْابَة» در زبان عربی از ریشه «ن و ب» به معنای بازگشت و رجوع مکرر است. این واژه بیانگر حالتی است که بنده همواره و پیوسته به سوی پروردگار خود بازمی‌گردد. در کتب لغت آمده است: نَابَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ أَنْابَ إِلَيْهِ إِنْابَةً، فَهُوَ مُنِيبٌ: أَقْبَلَ وَ تَابَ وَ رَجَعَ إِلَى الطَّاعَةِ: به سوی خداوند بازگشت و روی آورد، و مُنِيبٌ شد؛ یعنی به خدا روی آورد و توبه کرد و به اطاعت بازگشت (ابن منظور، ۱۳۶۳: ج ۱: ۷۷۵).
همچنین در تاج العروس آمده است: نَابَ لَزِمَ الطَّاعَةَ، وَ أَنْابَ تَابَ وَ رَجَعَ: «نَاب» به معنای ملازم طاعت شدن است، و «أَنْاب» به معنای توبه کردن و بازگشتن است (زبیدی، بی تا: ج ۲: ۴۵۵).

نکته ظریف در معنای «إِنْابَه» تأکید بر استمرار و تکرار در بازگشت است. به همین دلیل، هنگامی که این فعل با حرف «إِلَى» به کار می‌رود، به معنای رَجَعَ إِلَيْهِ مَرَّةً بَعْدَ أُخْرَى (بارها و بارها به سوی او

بازگشتن) است. این مفهوم را می‌توان از تشبیه زیبای موجود در «قاموس قرآن» درک کرد؛ همان‌گونه که زنبور عسل را «نَوْب» می‌نامند زیرا پی در پی به کندوی خود بازمی‌گردد، انسان «مُنیب» نیز پیوسته و با توبه و اخلاص به سوی خدا بازمی‌گردد (قرشی، ۱۳۷۱: ج ۷: ۱۱۸).

بنابراین، «إِنَابَة» تنها یک بازگشت گذرا نیست، بلکه یک رویکرد مستمر و دائمی در زندگی مؤمن است که او را همواره در مسیر تقرب به خداوند و بازگشت از گناه به طاعت نگه می‌دارد. این حالت، نشان از عمق ایمان و هوشیاری دائمی قلب نسبت به پروردگار دارد.

۳-۷. استکانة

«استکانة» در زبان عربی از ریشه «ک، و، ن» به معنای آرامش و سکون، گرفته شده و بیانگر حالتی از فروتنی و خضوع عمیق در برابر پروردگار است. در روایتی از امام باقر (ع) در تفسیر آیه ﴿فَمَا اسْتَكَاثُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾ آمده است: استکانت به معنای خضوع است و تضرع، بلند کردن دو دست و استغاثه کردن با آنهاست (فضل الله، ۱۴۳۹: ج ۱۳: ۵۸).

این واژه در لغت به معنای فروتنی و خضوعی توصیف شده که همراه با آرامش درونی است: اِسْتَكَانَ فُلَانٌ: یعنی فروتنی و خضوع کرد، گویی به سکون و آرامشی رسیده که بی‌تابی و خواری را ترک کرده است (الراغب الأصفهانی، ۱۴۲۶: ۷۳۱).

نکته کلیدی در مفهوم «استکانة»، گذار و تحول درونی است. این واژه بیشتر به معنای انتقال از حالت تکبر و غرور به حالت خضوع و تذلل به کار می‌رود (طنطاوی، ۱۹۹۷: ج ۱۰: ۵۵). بنابراین، «استکانة» تنها یک خضوع ظاهری نیست، بلکه نشان‌دهنده یک دگرگونی باطنی است که در آن، قلب از بی‌تابی و اضطراب رها شده و در سایه ایمان به خداوند، به آرامش و وقاری همراه با فروتنی دست می‌یابد. این حالت، مقامی بالاتر از خشوع معمولی است که در آن نفس، سرکشی خود را رها کرده و در برابر عظمت الهی به تسلیم و سکون کامل می‌رسد.

۴. اهمیت و جایگاه تضرع

تضرع به درگاه الهی، به عنوان یکی از برجسته‌ترین اعمال قلبی در منظومه عبادات اسلامی، از جایگاهی والا در متون دینی برخوردار است. این حالت درونی که تلفیقی از خضوع، نیاز و اتکای کامل به پروردگار است، هم در شرایط دشوار و هم در مواقع عادی، نقش اساسی در تقرب بنده به خداوند ایفا می‌کند. ضرورت این مسئله تا بدانجاست که پیامبران اولوالعزم نیز در مواجهه با بحران‌ها، اصلی‌ترین راهکار را در تضرع و ابتهال به درگاه الهی جستجو می‌کردند و خداوند نیز به فراخور حال ایشان، گشایش ایجاد می‌فرمود.

قرآن کریم با اشاره به حالات انبیا، بر اهمیت آداب دعا و شرایط دعاکننده تأکید می‌ورزد. در آیه ۹۰ سوره انبیاء می‌خوانیم: ﴿وَيَدْعُونا رَغْبًا وَرَهْبًا﴾ که بیانگر دعای بندگان خاص خداوند همراه با

ترکیبی از امید و ترس است. در تفسیر این آیه آمده است: «خانواده زکریا خدا را با بیم و امید می خواندند و خود را در حالتی معتدل نگاه می داشتند؛ نه به سبب امید زیاد دچار غرور می شدند و نه از باب ترس فراوان، از رحمت خدا ناامید می گشتند» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱۳: ۲۱۵). این تعادل روحی، از شرایط مطلوب تضرع محسوب می شود.

بی نیازی مطلق خداوند از تمامی مخلوقات، بر ضرورت تضرع به درگاه او می افزاید. همان گونه که در آیه ۳۷ سوره حج آمده است: ﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهَ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ﴾. مفسران در توضیح این آیه تصریح کرده اند که مقصود نهایی از عبادات، رسیدن به تقوای قلبی و اخلاص در نیت است، نه صرف اجرای ظاهری اعمال (السعدی، ۱۴۲۱: ج ۱: ۶۳۵).

این حقیقت در روایات معصومین (علیهم السلام) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی مشهور فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَنْظُرُ إِلَى صُورِكُمْ وَلَا إِلَى أَجْسَادِكُمْ وَلَكِنْ يَنْظُرُ إِلَى قُلُوبِكُمْ وَ نِيَّاتِكُمْ» (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۲۵: ۳۳۱). بر این اساس، معیار قبولی اعمال، حقیقت درونی و کیفیت قلبی آنهاست و تضرع به عنوان تجلی بخش اخلاص و خضوع باطنی، نقش تعیین کننده ای در پذیرش عبادات دارد.

در نتیجه، می توان ادعا کرد که تضرع نه تنها یک عمل مستحب، بلکه یک ضرورت وجودی برای هر مؤمنی است که خواهان برقراری ارتباطی زنده و اثرپذیر با خدای متعال است. این حالت، هم مانع نزول عذاب الهی است و هم زمینه ساز جلب رحمت واسعه ربوبی.

۵. ضرورت تضرع در بلایا و سختی ها

قرآن کریم با تأکید بر نقش محوری تضرع در مواجهه با مصائب، آن را از واجبات قلبی در شرایط دشوار می داند. خداوند متعال در آیات متعددی به این امر اشاره می فرماید: ﴿فَأَخَذْنَا هُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾ (انعام: ۴۲). و نیز می فرماید: ﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا﴾ (انعام: ۴۳). این آیات نشان می دهد که بلایا و سختی ها، زمینه ساز تضرع و بازگشت به خداوند هستند. این عجیبه در تفسیر این آیات می نویسد: «خداوند امت های پیشین را با بَأْسَاء (سختی های اقتصادی) و ضراء (بیماری ها و رنج ها) مجازات کرد تا شاید خاضع شوند و توبه کنند ... و در این عبارت، دلیلی بر سودمندی تضرع در شداید است» (ابن عجیبه، ۲۰۱۰: ج ۲: ۲۵۶).

در مقابل، افرادی که در برابر بلایا مقاومت می کنند و از تضرع رویگردان می شوند، مورد سرزنش قرآن قرار گرفته اند: ﴿وَلَقَدْ أَخَذْنَا هُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ﴾ (مؤمنون: ۷۶). در تفسیر این آیه آمده است: مخالفان پیامبران الهی چنان لجوج بودند که حتی پس از نزول عذاب، دست از سرکشی برنداشتند ... این آیات هشدار می دهد که اگر در برابر عذاب الهی خاضع نشوند، سرنوشتی مشابه در انتظار آنهاست (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱۴: ۸۴).

نکته مهم دیگر، وسوسه‌های شیطانی برای روی آوردن به غیر خدا در بحران‌هاست. محمدرضا فریدونی با اشاره به آیه: ﴿وَإِنْ يَمْسَسْكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ﴾ (انعام: ۱۷) خاطرنشان می‌کند که نفس انسان میل دارد برای حل مشکلات به سحر، جادو یا مکاتب بشری پناه ببرد، در حالی که تنها خداوند قادر به دفع ضرر است (فریدونی، ۱۴۰۰: ۳۶).

از این رو، تضرع نه تنها یک واکنش طبیعی، بلکه یک وظیفه شرعی در برابر بالایاست که هم موجب جلب رحمت الهی می‌شود و هم مانع از عذاب مستمر می‌گردد.

۶. بنیان و اساس تضرع

در تحلیل مفهوم تضرع، «خشوع» به عنوان جوهر و بنیاد اصلی این عبادت قلبی شناخته می‌شود. تضرع حقیقی، زاییده قلبی است که در برابر عظمت الهی خاضع گشته و به ضعف ذاتی خود اعتراف کرده‌است. این ارتباط درونی چنان اساسی است که بدون حضور خشوع، تضرع به صورت عملی ظاهری و فاقد روح تحقق می‌یابد. خداوند متعال در قرآن کریم به مؤمنان فرمان می‌دهد که در دعا و نیایش خود، تضرع پیشه کنند:

خداوند متعال در آیه ۴۲ سوره انعام می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبُأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾. ابن کثیر در تفسیر این آیه اشاره می‌کند که «بأساء» به فقر و تنگدستی، و «ضراء» به بیماری‌ها و رنج‌ها اطلاق می‌شود و هدف از این آزمایش‌ها، واداشتن بندگان به تضرع و خشوع در درگاه الهی است (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۳: ۲۲۹).

شرط اساسی تحقق تضرع علاوه بر خشوع، «حضور قلب» و اجتناب از غفلت است. در کتاب فقه الأدعیه آمده‌است: «دعا با قلب غافل، همچون کمانی شل است که تیر آن با ضعف رها می‌شود و اثر چندانی بر جای نمی‌گذارد» (البدر، ۱۴۳۴: ۳۷۲). این تصویر به خوبی نشان می‌دهد که فقدان توجه قلبی، تأثیر دعا را به شدت کاهش می‌دهد.

امیرالمؤمنین علی (ع) در تأیید این شرط می‌فرماید: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ دُعَاءَ قَلْبٍ لَّامٍ» (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲: ۴۷۴). همچنین امام صادق (ع) بر ضرورت توجه کامل قلبی در هنگام دعا تأکید کرده و می‌فرماید: «إِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ وَطُنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ» (همان).

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که تضرع اصیل، تنها زمانی محقق می‌شود که از عمق قلبی خاشع و متواضع سرچشمه گیرد. این خشوع است که به تضرع، روح می‌بخشد و آن را از سطح لقلقه‌های زبانی به مرتبه ارتباطی ژرف و اثرگذار با خداوند ارتقا می‌دهد.

۷. ویژگی‌ها و آداب تضرع

تضرع به عنوان برجسته‌ترین تجلی بندگی، دارای شاخصه‌ها و آدابی است که آن را از دیگر انواع دعا متمایز می‌سازد. در کانون این ویژگی‌ها، «اظهار فروتنی و نیازمندی» در پیشگاه الهی قرار دارد، به گونه‌ای که صرف ادای الفاظ، بدون حالت قلبی خاشعانه، فاقد ارزش ذاتی محسوب می‌گردد.

از جمله شاخصه‌های بنیادین تضرع، «خلوت‌گزینی و نهانی بودن» آن است. قرآن کریم در توصیف مناجات حضرت زکریا (ع) می‌فرماید: ﴿إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا﴾ (مریم: ۳). ابن عجبیه در تفسیر این آیه، عمق اخلاص نهفته در این نجوای پنهان را چنین توضیح می‌دهد: «او پروردگارش را در خلوتگاهش ندا داد. این کار در اخلاص کامل‌تر بود و از ریا به دور، و برای رهایی از سخنان مردم مناسب‌تر بود؛ زیرا در زمانی نامناسب و از زمانی که از آنان بیم داشت، درخواست فرزند می‌کرد» (ابن عجبیه، ۲۰۱۰: ج ۴: ۲۰۸). این ویژگی، تضرع را از هرگونه آلودگی به ریا مبرا ساخته و آن را به عمیق‌ترین شکل ممکن با ذات اقدس الهی مرتبط می‌سازد.

ویژگی ممتاز دیگر، «حضور قلب و احساس قرب الهی» است. هنگامی که بنده در خلوتگاه تضرع، خود را در محضر خداوند می‌یابد، این باور در او تثبیت می‌شود که پروردگارش او را می‌شنود و اجابت می‌کند. قرآن کریم با بیان: ﴿فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ (بقره: ۱۸۶) بر این حقیقت تأکید می‌ورزد. مکارم شیرازی در تفسیر این آیه خاطرنشان می‌کند: خداوند در این آیه کوتاه، هفت مرتبه به ذات پاک خود و هفت بار به بندگان اشاره کرده و این، نشان از نهایت پیوستگی و قرب او با بندگان دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱: ۶۳۸). در نهایت، «همراهی خشوع عملی با دعای زبانی» از وجوه تمایز تضرع است که تنها در محدوده الفاظ محبوس نمی‌شود، بلکه در تمامی حرکات، سکنت و حالات بنده متجلی می‌گردد.

قرآن کریم افزون بر تبیین این شاخصه‌ها، به تشریح آداب و شرایطی پرداخته که رعایت آنها، تضرع بنده را به کمال نزدیک‌تر می‌سازد. بنیادی‌ترین شرط، «اخلاص» است. خداوند در آیات متعدد بر این امر تأکید فرموده است: ﴿فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ (غافر: ۱۴) و ﴿قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ﴾ (زمر: ۱۱). این آیات نشان می‌دهند که شرط اساسی پذیرش دعا، خلوص نیت و احساس افتقار درونی است، نه صرف ادای الفاظ. مجموعه این شاخصه‌ها و آداب، تضرع را به مقام‌الایی از عبادت تبدیل می‌کند که در آن بنده با تمام وجود، نیاز خود را در پیشگاه قادر متعال ابراز می‌دارد.

۸. اوقات و زمان تضرع

قرآن کریم برای تضرع، زمان‌ها و موقعیت‌های ویژه‌ای را برمی‌شمارد که رعایت آنها بر عمق و تأثیر این عبادت می‌افزاید. یکی از این اوقات، هنگام ذکر و یاد خداوند است، چنان که در آیه ۲۰۵ سوره

اعراف آمده است: ﴿وَاذْكُرْ رَبَّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرُّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ﴾ این آیه چهار ادب مهم برای ذکر را بیان می‌کند: ذکر درون‌گرایانه، همراه با ترس از خدا، آهستگی صدا، و تداوم آن در آغاز و پایان روز (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۷: ۳۴۳).

از برجسته‌ترین زمان‌های تضرع، سحرگاهان و پایان شب است. آیات ﴿وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ﴾ (آل عمران: ۱۷) و ﴿وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ﴾ (ذاریات: ۱۸) بر فضیلت استغفار و نیایش در این ساعت تأکید دارند. این زمان به جهت فراغت از اشتغالات دنیوی و آمادگی روحی، موقعیتی ممتاز برای ارتباط با خداوند محسوب می‌شود.

هنگام سختی‌ها و بلایا نیز از اوقات مهم برای تضرع است. خداوند متعال در آیه ۴۲ سوره انعام می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ﴾. این آیات نشان می‌دهد که یکی از حکمت‌های مصائب، بیداری بندگان و سوق دادن آنان به سوی درگاه الهی است (الجزائری، ۱۴۱۶: ج ۲: ۵۹).

علاوه بر این، هنگام اعتراف به فقر ذاتی نیز زمان مناسبی برای تضرع است. خداوند در آیه ۱۵ سوره فاطر می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ﴾ این آیه بر وابستگی وجودی انسان به خداوند تأکید دارد و بیان می‌کند که انسان در تمام شئون زندگی‌اش محتاج پروردگار است (ابن عجبیه، ۲۰۱۰: ج ۶: ۱۱۱). «به‌راستی انسان در همه شئون زندگی خویش به خداوند نیازمند است و در تمام حاجات و امور خود به او وابسته؛ به گونه‌ای که حتی به اندازه یک چشم برهم زدن، یا کمتر از آن، از پروردگار و مولای خویش بی‌نیاز نمی‌گردد» (البدر، ۱۴۳۴: ۲۷۴). این احساس فقر و نیاز، زمانی به اوج می‌رسد که بنده به ضعف خود و غنای مطلق خداوند آگاهی یابد و این همان لحظه مساعد برای تضرع است.

در نتیجه، قرآن کریم با اشاره به این زمان‌ها، به مؤمنان می‌آموزد که چگونه می‌توانند با برنامه‌ریزی برای اوقات ویژه و همچنین استفاده از موقعیت‌های پیش آمده، حالت تضرع را در خود نهادینه کرده و پیوند خود را با خداوند مستحکم‌تر سازند.

۹. موانع و چالش‌های تضرع

تضرع به عنوان اوج بندگی و خضوع در برابر پروردگار، در مسیر تحقق خود با موانع متعددی روبرو می‌شود که این موانع به دو دسته اصلی درونی و بیرونی تقسیم می‌گردند. موانع درونی ریشه در صفات ناپسند نفسانی انسان دارد. مهم‌ترین این موانع عبارتند از:

قساوت قلب که در آیه ۴۳ سوره انعام به آن اشاره شده است: ﴿فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسًا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ﴾ این آیه نشان می‌دهد چگونه قساوت قلب و فریب‌های شیطانی می‌تواند مانع از تضرع و بازگشت به سوی خدا گردد (رضایی اصفهانی، ج ۶: ۸۷).

تکبر و غرور از دیگر موانع تضرع است. خداوند در آیه ۶۰ سوره غافر هشدار می‌دهد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ ذَٰخِرِينَ﴾ تفسیر این آیه نشان می‌دهد که تکبر، انسان را از عبادت و تضرع بازمی‌دارد زیرا انسان متکبر به یگانگی خداوند ایمان ندارد و باور نکرده‌است که خداوند واحد است و هیچ شریکی ندارد؛ و اینکه او بر احاطه به حالات آفریدگان، تدبیر امور آنان، شمارش اعمالشان و نیز بر بازگرداندن آنان در روز قیامت برای حسابرسی و پاداش و کیفر ایشان تواناست (حومد، ۱۴۱۹: ج ۳: ۱۱۷۱).

مانع بعدی، غفلت از یاد خدا است که در آیه ۱۹ سوره حشر به صورت هشداردهنده‌ای بیان شده‌است: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ﴾ باعث سرگرم شدن به امور دنیوی می‌شود و احساس نیاز به خداوند را کمرنگ می‌کند. «این آیه کریمه، اصلی بنیادین در خودمحاسبه‌گری انسان است؛ بدین معنا که شایسته‌است بنده همواره نفس خویش را بررسی کند. اگر لغزشی در آن بیابد، با ترک آن و توبه‌ای صادقانه و روی‌گردانی از عوامل زمینه‌ساز آن، آن را جبران نماید. و اگر در انجام یکی از اوامر الهی کوتاهی مشاهده کرد، باید نهایت کوشش خود را به کار گیرد و از پروردگارش در تکمیل و به کمال رساندن و نیکو ساختن آن یاری جوید» (السعدی، ۱۴۲۱: ج ۱: ۱۰۲۷).

یأس و ناامیدی از رحمت الهی نیز از موانع مهم است. در آیه ۸۷ سوره یوسف آمده‌است: ﴿إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾ مراغی در تفسیر این آیه خاطرنشان می‌سازد که ناامیدی از رحمت خداوند، ویژه کافران است، زیرا آنان از قدرت و گستره رحمت الهی غافلند و نمی‌دانند خداوند در حق بندگان حکمت‌های ژرف و الطاف پنهانی دارد. (المراغی، بی‌تا: ج ۱۳: ۳۰).

موانع بیرونی نیز به شرایط محیطی و اجتماعی مربوط می‌شوند. غرق شدن در مادیات و رفاه از موانع مهم بیرونی است. آیات ۶-۷ سوره علق به روشنی بیان می‌کنند: ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ﴾ «به‌راستی که حال انسان شگفت‌انگیز است؛ چه آن‌گاه که در خود احساس توانمندی و ثروت کند، از حد و مرزی که باید در آن بماند فراتر می‌رود؛ از خشوع در برابر پروردگار خویش سرباز می‌زند، با آزار مردم گردن‌فرازی می‌کند و خود را برتر از همه آنان می‌پندارد. حال آنکه سزاوار بود خود را همچون دیگران عضوی از یک خانواده بداند که در خوشی‌ها و ناخوشی‌ها با یکدیگر همکاری و همیاری می‌کنند» (همان: ج ۳۰: ۲۰۲).

بی‌بصیرتی نیز از موانع مهم است که در آیه ۴۶ سوره حج بیان شده‌است: ﴿فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ﴾ تفسیر این آیه نشان می‌دهد که نابینایی حقیقی، کوری دل‌هاست نه چشم‌ها، پس هرکس قلب و ضمیرش نابینا باشد، پند نمی‌گیرد و نمی‌اندیشد (الجزائری، ۱۴۱۶: ج ۳: ۳۹).

۱۰. تفاوت‌ها و ویژگی‌های تضرع مومنان و کافران

تضرع در قرآن کریم به دو گونه اساسی ترسیم شده است: تضرع مؤمنان که برخاسته از ایمان قلبی، توکل مستمر و امید به رحمت الهی است، و تضرع کافران که موقتی، اضطراری و فاقد عمق ایمانی است. مؤمنان در همه شرایط، چه در آرامش و چه در سختی، با فروتنی به درگاه خداوند پناه می‌برند، در حالی که کافران تنها در لحظات خطر خدا را می‌خوانند و پس از رفع بلا، از یاد او غافل می‌شوند. قرآن نمونه‌های متعددی از تضرع مؤمنان را بیان می‌کند؛ از جمله دعای اهل کشتی در طوفان: ﴿دَعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ﴾ که اخلاص در عبادت را نشان می‌دهد. در میدان نبرد نیز مؤمنان گفتند: ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّثْ أَقْدَامَنَا﴾ (بقره: ۲۵۰)، این دعا هنگامی مطرح شد که حزب ایمان، که اندکی از یاران طالوت بودند، در برابر دشمنان خود، یعنی یاران جالوت که تعدادشان بسیار زیاد بود، قرار گرفتند. آنان با ایمان و توکل به خدا چنین درخواست کردند: صبر و بردباری الهی بر آنان نازل شود، در میدان نبرد پایدار و ثابت قدم بمانند، از فرار و ناتوانی مصون باشند و خداوند آنان را بر گروه کافران پیروز گرداند (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۱: ۵۰۹). همچنین دعای مومنان ﴿رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا﴾ (آل عمران: ۸) تضرعی است برای ثبات در ایمان و دوری از لغزش که نشان از عمق ارتباط قلبی آنان با پروردگار دارد؛ چه آنکه نیک می‌دانند که باید در همه لحظات در ایمان استقامت نمایند، تا در سعادت استقرار یابند (حسینی‌همدانی، ۱۳۸۰: ج ۳: ۲۰). در نگاه قرآن، چنین تضرعی، نمود پیوند عمیق قلبی مؤمن با خداوند و استمرار ایمان در تمام حالات است.

در مقابل، تضرع کافران حالتی موقت و سطحی دارد. آیه ۶۷ سوره اسراء به روشنی این حقیقت را بیان می‌کند: ﴿فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ اَعْرَضْتُمْ﴾ کافران در لحظات خطر، خدا را می‌خوانند اما پس از اینکه خداوند آنها را از غرق شدن نجات می‌دهد و به ساحل می‌رساند، از یکتاپرستی روی می‌گردانند (بیضاوی، ۱۴۱۸: ج ۳: ۲۶۱). آیه ۱۲ سوره یونس نیز به این ویژگی اشاره دارد: ﴿فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ صُورَهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ صُرٍّ مَّسَّةٍ﴾. خدای متعال در این آیه از طبیعت انسان سخن می‌گوید که چون دچار سختی و بلا می‌شود، دچار اضطراب و بی‌قراری می‌گردد و بسیار دعا و زاری می‌کند؛ اما هنگامی که خداوند گرفتاری او را برطرف می‌سازد و اندوهش را می‌زداید، روی برمی‌تابد و می‌رود، گویی هیچ گرفتاری‌ای نداشته است (حوی، ۱۴۲۴: ج ۵: ۲۴۳۲).

در مقابل، تضرع کافران سطحی و زودگذر است. آنان در خطر به خدا پناه می‌برند اما به محض نجات، روی می‌گردانند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ اَعْرَضْتُمْ﴾ (اسراء: ۶۷) و نیز ﴿فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ صُورَهُ مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا﴾ (یونس: ۱۲). خدای متعال در این آیه از طبیعت انسان سخن می‌گوید که چون دچار سختی و بلا می‌شود، دچار اضطراب و بی‌قراری می‌گردد و بسیار دعا و زاری

می‌کند؛ اما هنگامی که خداوند گرفتاری او را برطرف می‌سازد و اندوهش را می‌زداید، روی برمی‌تابد و می‌رود، گویی هیچ گرفتاری‌ای نداشته‌است (حوی، ۱۴۲۴: ج ۵: ۲۴۳۲).

نمونه بارز آن تضرع فرعون در لحظه غرق شدن است: ﴿قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ﴾، که نشانه ایمان اضطراری و بی‌ارزش در هنگام مرگ است (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۸: ۳۷۶). آیات ﴿ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرُّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ﴾ (نحل: ۵۳-۵۴) نیز بازگشت دوباره کافران به شرک پس از رفع خطر را آشکار می‌کند (رضایی‌اصفهانی، ۱۳۸۷: ج ۱۱: ۲۶۶).

تفاوت اصلی در این است که تضرع مؤمنان برآمده از شناخت و ایمان پایدار است، در حالی که تضرع کافران واکنشی غریزی و ناپایدار است که پس از رفع خطر، جای خود را به غفلت و شرک می‌دهد. قرآن کریم با ترسیم این تمایز، بر اهمیت استمرار در تضرع و پرهیز از غفلت در زمان آسایش تأکید می‌ورزد.

۱۱. الگوها و نمونه‌های عملی تضرع

مطالعه تطبیقی قصص پیامبران در قرآن کریم نشان می‌دهد که تضرع به عنوان عالی‌ترین شکل عبادت، نقش محوری در تحقق اهداف رسالت ایفا کرده‌است. زندگی پیامبران الهی سرشار از لحظاتی است که با نهایت خضوع و نیاز به سوی پروردگار خود روی آورده‌اند. تضرع آنها نه تنها برای خودشان، بلکه برای هدایت امت‌ها و رفع بلا از آنها نیز بوده‌است. در ادامه الگوهای تضرع پیامبران را در چارچوب مفهومی «ابراز تضرع و خضوع وجودی همراه با احساس فقر ذاتی» بررسی و تحلیل می‌کنیم.

حضرت یونس (ع) در اوج بحران وجودی و وقتی در تاریکی‌های دریا و در شکم نهنگ گرفتار بود، الگویی از تضرع کامل ارائه می‌دهد: ﴿أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ﴾ (انبیاء: ۸۷). این دعا-که از آن به «دعای ذوالنون» یاد می‌شود-در بردارنده سه بعد توحیدی، تنزیهی و استغفاری است و ساختاری جامع از تضرع وجودی را نمایان می‌سازد (حنیکه میدانی، ۱۴۲۰: ج ۱۴: ۳۵۱).

حضرت ایوب (ع) با دعای ﴿إِنِّي مَسْنِي الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ﴾ (انبیاء: ۸۳)، الگوی تضرع صبورانه را به نمایش می‌گذارد. این دعا-که همراه با اقرار به رنج و تأکید بر رحمت الهی است-نشان می‌دهد که تضرع نه تنها منافعی صبر نیست، بلکه بر عمق آن می‌افزاید.

حضرت زکریا (ع) با ﴿يَدَاؤُا خَفِيًّا﴾ (مریم: ۳)، نمونه کامل تضرع خفی و ارتباط شخصی با خداوند را ارائه می‌دهد. این شکل از مناجات-که با پرهیز از هرگونه ریا همراه است-بر اهمیت خلوص نیت در عبادت تأکید می‌ورزد. برخی از مفسران گفته‌اند: زکریا علیه‌السلام دعای خود را پنهان کرد تا در خواستن فرزند، با وجود پیری، به سبک‌سری و بی‌خردی متهم نشود؛ این سخن را ماوردی نقل کرده‌است. و گروهی دیگر گفته‌اند: او دعای خویش را پنهان ساخت، زیرا این شیوه نزد خداوند محبوب‌تر است. (ابن کثیر، ۱۴۱۹: ج ۵: ۱۸۷).

حضرت یوسف (ع) در دعای ﴿زَبَّ السَّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ﴾ (یوسف: ۳۳)، الگوی تضرع عفت‌محور را تجسم می‌بخشد. این تضرع-که بیانگر اولویت‌بندی ارزش‌های الهی بر لذت‌های زودگذر است- نشان می‌دهد که مناجات می‌تواند به عنوان سپری معنوی در برابر گناه عمل کند. «و بدین‌گونه، حضرت یوسف علیه‌السلام در طلب عصمت و حفاظت از لغزش به خدا پناه برد؛ و آشکار ساخت که اگر به خود واگذارده شود، در برابر آزمایش ناشی از زیبایی، تاب و توان پایداری نخواهد داشت» (حوی، ۱۴۲۴: ۵: ۲۶۴۹).

حضرت موسی (ع) با مناجات ﴿زَبَّ اشْرَحَ لِي صَدْرِي، وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي﴾ (طه: ۲۵-۲۸)، الگویی از تضرع رسالتی را نمایان می‌سازد. این دعا-که در آستانه مواجهه با فرعون صورت گرفت- بیانگر درخواست ظرفیت‌سازی درونی است تا بتواند بار سنگین رسالت را بر دوش بکشد (الجزائری، ۱۴۱۶: ج ۳: ۳۴۵).

حضرت ابراهیم (ع) با دعاهای متعدد از جمله ﴿زَبَّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي﴾ (ابراهیم: ۴۰)، نمونه تضرع خاضعانه را ارائه می‌دهد. این مناجات-که دغدغه استمرار عبادت در نسل‌های آینده را نشان می‌دهد- بیانگر بعد اجتماعی تضرع است. او این دعا را برای برخی از فرزنداناش کرد، نه برای همه آنان؛ یعنی تنها برای فرزندان مؤمن و مسلماناش (حنبکه میدانی، ۱۴۲۰: ج ۱۴: ۷۶).

حضرت نوح (ع) با ندای ﴿زَبَّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرُ﴾ (قمر: ۱۰)، الگوی تضرع در مقام استیصال را به نمایش می‌گذارد. این دعا-که همراه با اقرار به عجز کامل و واگذاری نصرت به خداوند است- نشان می‌دهد که تضرع می‌تواند به ابزاری برای یاری طلبی خاضعانه هنگام احساس شکست و ناکامی تبدیل شود.

پیامبر اکرم (ص) در غزوه بدر با مناجات «إِنْ تَهْلِكْ هَذِهِ الْعَصَابَةُ لَا تُعْبَدُ فِي الْأَرْضِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ج ۱۹: ۲۲۱)، الگوی جامع تضرع را ارائه دادند. نتیجه این تضرع و خضوع، وعده الهی به نزول فرشتگان و نصرت بود: ﴿إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدَفِينَ﴾ (انفال: ۹-۱۰). این دعا-که پیوند سرنوشت امت با اراده الهی را نشان می‌دهد- نمونه‌ای کامل از تضرع در عین عمل و مسئولیت‌پذیری است.

در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که الگوهای تضرع پیامبران در قرآن کریم، از سویی نشان‌دهنده تنوع کارکردی این مفهوم در موقعیت‌های مختلف (بحران‌های وجودی، آزمون‌های سخت و مأموریت‌های رسالتی) است و از سوی دیگر، بر وحدت رویکردی آن در پرورش رابطه وجودی با خداوند تأکید می‌ورزد. این الگوها در عین حفظ هسته مشترک (خضوع وجودی و احساس فقر ذاتی)، با توجه به شرایط و مأموریت خاص هر پیامبر، جلوه‌های متنوعی یافته‌اند و نظامی کامل از سلوک عملی در زمینه مناجات را برای پیروان راستین ارائه می‌دهند.

نتایج

پژوهش حاضر نشان داد که تضرع در قرآن کریم، فراتر از یک فعل عبادی ساده، راهی مؤثر برای ارتباط مستقیم انسان با خداوند است. تضرع با خشوع، توجه قلبی و اعتراف به نیازمندی همراه است و این ویژگی‌ها موجب تأثیر عمیق بر روح و روان انسان می‌شود. ذکر و دعا در صورت همراهی با تضرع، انسان را به خدا نزدیک‌تر کرده و امکان دریافت فضل و رحمت الهی را فراهم می‌سازد.

تحلیل مفهومی تضرع نشان داد که قرآن با به‌کارگیری مشتقات ماده «ضرع» و صیغه‌های مختلف آن، به پویایی، استمرار و اهمیت تضرع در زندگی بشر اشاره دارد. افعال مضارع مانند «يَتَضَرَّعُونَ» بیانگر دعوت مستمر به تضرع و خضوع حتی در مواجهه با شرک، عناد و طغیان مردم است و تأکید می‌کند که پاداش یا ابتلای الهی، نتیجه واکنش انسان نسبت به نعمت‌ها و سختی‌هاست. به عبارت دیگر، تفاوت صیغه‌های ماضی و مضارع در قرآن، دو جنبه مهم را نشان می‌دهد: عبرت از گذشته و استمرار تضرع در زمان حال و آینده، که به انسان یادآوری می‌کند تجربه‌های پیامبران و امت‌های پیشین، آموزه‌هایی برای زندگی امروز است.

الگوهای قرآنی تضرع در زندگی پیامبران الهی، مانند حضرت نوح، ابراهیم، موسی، یوسف، ایوب، زکریا و یونس علیهم‌السلام، نمونه‌هایی عملی از خشوع، توکل و اعتراف به نیازمندی را ارائه می‌دهند. این نمونه‌ها نشان می‌دهند که بدون توجه به فضل الهی، انسان قادر به مقابله با مشکلات و حفظ پاکدامنی و ایمان خود نیست. همچنین تضرع، ابزاری برای اصلاح رفتار، بازگشت به خدا و دفع آثار منفی خطاها و گناهان است.

یافته‌ها همچنین تأکید می‌کنند که تحقق اثرگذاری تضرع مستلزم رعایت آداب و شرایط آن، از جمله خشوع قلبی، توجه به اسباب و زمان مناسب دعا و پیوند با اعمال صالح است. تضرع در قرآن جنبه فردی و جمعی دارد و می‌تواند به هدایت امت‌ها و رفع بلاها کمک کند.

در نهایت، می‌توان گفت تضرع، هم وسیله‌ای برای رشد معنوی و اخلاقی فرد و هم راهکاری برای مواجهه با دشواری‌های زندگی و کسب رضایت الهی است. بهره‌گیری آگاهانه از تضرع و رعایت اسباب و شرایط آن، زمینه‌ساز قرب الهی، تحقق عبادت کامل و دریافت پاداش دنیوی و اخروی خواهد بود.

منابع

قرآن کریم

- ابن بادیس، عبد الحمید بن محمد (۱۴۲۴ق). تفسیر ابن بادیس فی مجالس التذکیر من کلام الحکیم الخبیر. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). التحریر و التنویر من التفسیر. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- ابن عجیبه، احمد (۲۰۱۰م). البحر المذید فی تفسیر القرآن المجید. تحقیق: عمر احمد راوی، چاپ سوم. بیروت: دار الکتب العلمی.
- ابن عطیه، عبد الحق بن غالب (۱۴۲۲ق). المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز. تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی محمد. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق). تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۶۳ق). لسان العرب. چاپ دوم. قم: ادب الحوزه.
- البدر، عبد الرزاق بن عبد المحسن (۱۴۳۴ق). فقه الأدعية و الأذکار. الرياض: مكتبة دار المنهاج.
- بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵ش). فرهنگ ابجدی. ترجمه رضا مهیار. تهران: اسلامی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق). أنوار التنزیل و أسرار التأویل. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- الجزائری، ابوبکر جابر (۱۴۱۶ق). أيسر التفاسیر لكلام العلي الكبير. المدينة المنورة: مكتبة العلوم و الحكم.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا). الصحاح. تصحیح: احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حسینی همدانی، محمد (۱۳۸۰ق). انوار درخشان در تفسیر قرآن. تحقیق: محمدباقر بهبودی، تهران: لطفی.
- حنبکه میدانی، عبدالرحمن حسن (۱۴۲۰ق). معارج التفكير و دقائق التدبر. دمشق: دار القلم.
- حومد، اسعد (۱۴۱۹ق). أيسر التفاسیر. تصحیح محمد متولی الشعراوی. بی جا، بی نا.
- حوی، سعید (۱۴۲۴ق). الأساس فی التفسیر. القاهرة: دار السلام.
- خلیل بن احمد الفراهیدی، ابو عبد الرحمن (۱۴۰۹ق). العين. قم المقدسة: هجرت.

الراغب الأصفهانی (۱۴۲۶ق). مفردات ألفاظ القرآن. تحقیق صفوان عدنان داوودی. قم المقدسة: منشورات طليعة النور.

رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷ش). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.

زیبیدی، محمد بن محمد (بی‌تا). تاج العروس. تصحیح: علی شیری. بیروت: دارالفکر.

السعدی، عبدالرحمن (۱۴۲۱ق). تیسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان. چاپ دوم. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

السمین الحلبي، أحمد بن يوسف (۱۴۱۷ق). عمدة الحفاظ في تفسير أشرف الألفاظ. تحقیق: محمد باسل عیون السود. بیروت: دار الكتب العلمية.

طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۸ش). تفسیر المیزان. ترجمه محمدباقر موسوی. چاپ ۱۱. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷ش). ترجمه تفسیر جوامع الجامع. مشهد مقدس: آستان قدس رضوی.

طنطاوی، محمد سید (۱۹۹۷م). التفسیر الوسیط للقرآن الکریم. القاهرة: نهضة مصر.

عرقسوس، طلال بن مصطفى (۲۰۰۴م). التوسل في كتاب الله عزوجل. المدينة المنورة، الجامعة الإسلامية.

العسکری، أبو هلال (۲۰۰۹م). الفروق اللغوية. تحقیق محمد باسل عیون السود. بیروت: دار الكتب العلمية.

فریدونی، محمدرضا (۱۴۰۰ش). سلوک سائلانه. قم: تمدن نوین اسلامی.

فضل الله، محمدحسین (۱۴۳۹ق). تفسیر من وحي القرآن. چاپ سوم. بیروت: دار الماک للطباعة و النشر و التوزيع.

فیروزآبادی، مجدالدین أبوطاهر (۱۹۹۶م). بصائر ذوي التمييز في لطائف الكتاب العزيز. القاهرة: لجنة إحياء التراث الإسلامي.

قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱ش). قاموس قرآن. تهران: دار الكتب الإسلامية.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش). الکافی. تهران: دار الكتب الإسلامية.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربي.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق). مرآة العقول في شرح أخبار آل الرسول. چاپ دوم. بی‌جا: دار الکتب الإسلامية.

مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران: دار محبی الحسین علیه السلام.

المراغي، احمد مصطفى (بی‌تا). تفسير المراغي. بيروت: دار الفكر.

معلوف، لويس (۱۴۱۵ق). المنجد في اللغة. بيروت: دار المشرق.

مكارم شيرازي، ناصر (۱۳۷۴ش). تفسير نمونه. چاپ ۳۲. تهران: دار الکتب الإسلامية.

نووی، محمد (۱۴۱۷ق). مراح لبید لكشف معنى القرآن المجید. بيروت: دار الکتب العلمية.

